



اعلام کشف ۱۱۰ رشته قنات متعلق به دوران پیش از اسلام

صفحه ۸

تولودaily@gmail.com پست الکترونیک: آدرس سایت: www.tolounews.com



منطقه جنوب ایران (فارس/خوزستان/بوشهر/کهگیلویه و بویراحمد/هرمزگان)

مدیر مخابرات منطقه فارس؛
در صورت دریافت تماس
یا پیامک مشکوک
به کلاهبرداری، شماره تلفن
مزاحم را به مخابرات
اعلام نمایید

صفحه ۴



یکشنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۹ | ۲۷۰ ذی القعدة ۱۴۴۱ | ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ | سال بیستوششم | شماره ۲۸۴۴ | بها ۶۰۰۰ تومان



همراه با نمایش فیلم

همراه با تحلیل خبر

۱۸ میلیون ماسک در انبارها دپو شده

آمادگی تولیدکنندگان

برای دو برابر کردن تولید روزانه ماسک

۱

معاون استاندار فارس اعلام کرد:

محدودیت‌های کرونایی در فارس

سختگیرانه‌تر می‌شود

۲

با حضور رئیس سازمان غذا و دارو انجام شد؛

رونمایی از نمونه اولیه دستگاه پرتابل

تنفس مصنوعی برای کمک

به بیماران کووید ۱۹

۳

معاون حفاظت و امور اراضی منابع طبیعی فارس:

تمامی پلاک‌های اراضی ملی

در فارس دارای برگ تشخیص

می‌شوند

۴

متخصصان نظر می‌دهند؛

رشد «شاخص فلاکت» در کشور چه تبعاتی به دنبال دارد؟

ریزش سنگرهای اجتماعی، فقر و اعتراضات معیشتی

صفحه ۱



روحانی در جلسه ستاد ملی مقابله با بیماری
کرونا مطرح کرد؛

تاکنون ۲۵ میلیون ایرانی

به کرونا مبتلا شدند

احتمال ابتلای ۳۵ میلیون نفر دیگر

صفحه ۲



طی امسال صورت می‌گیرد؛
فعال شدن ۲۰ معدن راکد
در کهگیلویه و بویراحمد

صفحه ۳

انفجار مین در مهران
سه قربانی گرفت

صفحه ۷

متخصصان نظر می‌دهند؛

رشد «شاخص فلاکت» در کشور چه تبعاتی به دنبال دارد؟

ریزش سنگرهای اجتماعی، فقر و اعتراضات معیشتی

رشد فلاکت نتیجه سیاست‌های غلط اقتصادی

او با بیان اینکه رشد شاخص فلاکت به معنای افزایش فقر در جامعه است، ادامه می‌دهد: بیکاری به علاوه فقر باعث از بین رفتن اعتقادات اخلاقی و وقوع معضلات اجتماعی می‌شود. زیرا فردی که فقیر می‌شود برای جبران کاستی‌های زندگی ناچار به انجام تخلف می‌شود در غیر این صورت باید سختی‌های بسیاری را تحمل کند. البته که تخلف در افراد متمول هم وجود دارد اما نحوه تخلفات آن‌ها با افراد فقیر متفاوت است.

بغزایان در پاسخ به این سؤال که چه عاملی در مدیریت اقتصادی کشور باعث رشد نرخ فلاکت می‌شود؟ می‌گوید: سیاست‌های غلط و تورم‌زا که منجر به بالاترین شدن تولیدکنندگان می‌شود از عواملی است که باعث رشد فلاکت در یک جامعه می‌شود. به عنوان مثال در بخش مسکن می‌تواند مسکن روی دست ما مانده است، اما در سال جدید مسکن پیدا نمی‌شود و هر روز هم قیمت آن بالاتر می‌رود. در زمینه خودرو هم همین موضوع است.

وی اضافه می‌کند: چنین مسائلی نشان می‌دهد که اخلاق کسب و کار هم از بین رفته است و همه می‌خواهند کالای خود را به قیمت لحظه بفروشند. وقتی نرخ ارز را بانک مرکزی نمی‌تواند و اراده‌ای هم ندارد که در یک محدوده‌ای نگه دارد وقتی به دلیل احتکار یا افزایش قیمت تمام شده یا کمبود واردات تولیدکننده قیمت فروش خود را بالا می‌برد و برای به صرفه شدن کار کارگر خود را اخراج می‌کند همه این موارد شاخص فلاکت را وخیم‌تر می‌کند.

این استاد دانشگاه با تاکید بر اینکه در واقع رشد شاخص فلاکت نتیجه سیاست‌های غلط یا سخت‌تر شدن شرایط است، اظهار می‌کند: وقتی کشوری تحریم است، پول نفت را نمی‌تواند بیابد و هزینه معاملات آن بیشتر شده است، با کمبود ارز مواجه بوده و می‌خواهد برای هزینه‌کرد در اقتصاد براساس رویه قبلی عمل کند، نتیجه آن تورم می‌شود.

شاخص فلاکت حرارت‌سنج اقتصاد کشور

وی می‌افزاید: اگر دشمن آگاهانه ما را در تنگنا قرار می‌دهد ما باید خودمان عملکرد و اخلاق اقتصادی درستی داشته باشیم نه اینکه خودروساز خودرویی کف کارخانه را جمع کند. باغدار میوه‌هایش را گران کند برای اینکه از قافله افزایش قیمت‌ها عقب نیفتد یا بانک مرکزی با بالا و پایین کرده نرخ بهره بانکی سعی کند افراد را در سیستم بانکی نگه دارد. این اقدامات باعث بالاترین شدن مردم می‌شود. تا زمانی که نرخ ارز مدیریت نشود و دولت این نرخ را به دست بازار بسپرد یا به تعیین روزانه آن پردازد تولیدکننده هم نمی‌تواند برنامه‌ریزی داشته باشد.

قائم‌مقام انجمن بانکداران خیره ایران با بیان اینکه نرخ فلاکت درجه حرارت اقتصاد را نشان می‌دهد، می‌گوید: رشد ۲۶ درصدی نرخ فلاکت وخامت اوضاع را نشان می‌دهد. در اروپا و آمریکا مثلاً می‌گویند نرخ تورم ۳ درصد نرخ بیکاری ۹ درصد که جمع آن می‌شود ۱۲ درصد، اما وقتی کشور ما با تورم ۳۵ درصدی و ۱۰ درصد بیکاری شاخص فلاکت می‌شود ۴۵ درصد در حالیکه این عدد سال گذشته ۳۵ درصد بوده است. این موضوع نشان‌دهنده وخامت و وجود ایراد و مشکل در سیاست‌های اقتصادی کشور است. مگر می‌شود کشوری در غرق شدن باشد و کاپیتان دست روی دست بگذارد. باید مشکل را پیدا کرد. باید بررسی شود که از ابتدای سال تاکنون کدام شاخص‌ها را بهبود بخشیدیم. مشکلات ما هر سال تکرار شده و هر سال با

رشد شاخص فلاکت در کشور می‌تواند تبعات اجتماعی و سیاسی نگران‌کننده‌ای به دنبال داشته باشد. رشد فلاکت تنها به معنای رشد فقر نیست بلکه می‌تواند زنگ خطری برای فروپاشی ساختار اجتماعی و سیاسی یک کشور به دلیل افزایش آسیب‌های متنوع سیاسی و اجتماعی در آن باشد. رویداد ۲۴ در این گزارش علاوه بر بررسی دلایل رشد شاخص فلاکت در کشور به ارزیابی تبعات آن می‌پردازد.

رویداد ۲۴: رشد ۲۶ درصدی شاخص فلاکت در کشور که به گفته کارشناسان از حاصل جمع نرخ تورم و نرخ بیکاری در یک کشور حاصل می‌شود نشان‌دهنده نامناسب‌تر شدن شرایط اقتصادی مردم نسبت به سال‌های گذشته است.

جوانان و حتی مسن‌ترهایی که از نبود شغل و نداشتن درآمد در رنج بوده و از سوی دیگر باید برای گذران زندگی و تأمین مایحتاج خود هزینه‌های سرسام‌آور اجاره مسکن، اقلام خوراکی و پوشاک را بپردازند، در بین این گروه افراد متخصصی یافت می‌شوند که با داشتن تخصص و دانش در آستانه سن ۴۰ سالگی و حتی بالاتر از این سن هنوز نتوانسته‌اند شغلی بیابند.

گروه دیگری از مردم نیز مشغول به کار بوده، اما به دلیل عدم تناسب میان درآمد و هزینه‌های زندگی همچنان در رنج هستند. این گروه نیز همچون گروه اول تنها می‌توانند به سختی هزینه‌های اولیه زندگی را پرداخته و برای تأمین نیازهای درمانی، فرهنگی و تفریحی پولی ندارند. در چنین جامعه‌ای بالا بودن شاخص فلاکت دور از ذهن نیست، اما آنچه بسیار حائز اهمیت است نتایج حاصل این پدیده است. جامعه‌ای فقیر و به تبع آن ناامید قطعاً نمی‌تواند برای مدت طولانی بر مدار آرامش و نظم بچرخد و قطعاً شرایط نگران‌کننده‌ای را پیش رو خواهد داشت.

شرایط اشتغال و تورم وخیم‌تر شده است

دکتر آلبرت بغزایان اقتصاددان و قائم‌مقام انجمن بانکداران خیره ایران به رویداد ۲۴ می‌گوید: ۲۰ درصدی که در اقتصاد محاسبه می‌شود یکی نرخ تورم است که در رابطه با شاخص قیمت‌هاست و دیگری نرخ بیکاری که هر دو معضل هستند و وقتی این دو نرخ را با یکدیگر جمع می‌کنند شاخص فلاکت به دست می‌آید.

وی توضیح می‌دهد: هر چه عدد مربوط به شاخص فلاکت بالاتر باشد نشان می‌دهد که هر دو نرخ تورم و بیکاری در جامعه افزایش داشته است یا یکی از دیگری پیشی گرفته است. به بیان دیگر شاخص فلاکت را ترکیبی از تورم و بیکاری عنوان می‌کنند. اگر عدد این شاخص بالا رفته باشد نشان‌دهنده کاهش رفاه اقتصادی است یعنی از یک سو افراد زیادی بیکار و بی‌درآمد بوده و از سوی دیگر قیمت‌ها بالاست.

قائم‌مقام انجمن بانکداران خیره ایران با تاکید بر اینکه سیاست‌گذاری‌ها نسبت به اینکه نرخ کدام یک از شاخص‌های تورم و بیکاری بالاتر است می‌تواند متفاوت باشد، عنوان می‌کند: تورم کمتر، اما بیکاری بیشتر نشان می‌دهد تقاضا کم شده است مانند آنچه در کشورهای اروپایی و آمریکایی مشاهده می‌کنیم. در این کشورها بیکاری افزایش یافته، اما نرخ قیمت‌ها بیشتر نشده است. اما در کشور ما هم شرایط بیکاری و هم تورم وخیم شده است شرایط بسیار بدتری است. این موضوع یا نشان دهنده فشار حاکم بر هزینه‌های حوزه تولید است یا ناشی از کاهش تقاضا برای مصرف کالاهاست.

شرایط بدتری دارند و حتی می‌توان گفت امروزه شکاف بیشتری بین این مناطق ایجاد شده است. در زاهدان خانه‌های لوکس و بناهای گران‌قیمت وجود دارد. در واقع هر قدر به سمت مرکز استان حرکت می‌کنیم رفاه بیشتر و تغییرات سبک زندگی مشهودتر است، اما در بخش‌های مرزی اوضاع همچنان فلاکت‌بار است.

وی با تاکید بر اینکه سراسر کشور دچار فقر مطلق نیست بلکه فقر نسبی وجود دارد، توضیح می‌دهد: حتی در یک منطقه هم فقر نسبی وجود دارد. مثلاً فردی که سرایدار است نسبت به فردی که صاحب‌خانه است دچار فقر نسبی است. در استان‌های تهران، مازندران، گلستان، فارس، خوزستان، خراسان رضوی با فقر مطلق مواجه نیستیم.

مدیر گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران با اشاره به اینکه در پی کاهش درآمد، افزایش بیکاری و بالارفتن قیمت‌ها امید به زندگی در جامعه به شدت کاهش یافته و تنها در بخش کوچکی از جامعه دیده می‌شود، خاطر نشان می‌کند: مهم‌ترین نتیجه فقر رشد انواع آسیب‌های اجتماعی در جامعه است. در چنین شرایطی سرقت، روسپی‌گری، فروش کودکان و... به صورت ناگهانی افزایش می‌یابد. فردی که کار و درآمد ندارد در این شرایط به سرقت به چشم یک شغل نگاه کرده و بر تعداد سرقت‌هایش می‌افزاید. در واقع به همین سهولت آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد.

رشد انواع آسیب‌های اجتماعی در جامعه است.

روسی‌گری، فروش کودکان و... به صورت ناگهانی افزایش می‌یابد. فردی که کار و درآمد ندارد در این شرایط به سرقت به چشم یک شغل نگاه کرده و بر تعداد سرقت‌هایش می‌افزاید. در واقع به همین سهولت آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد.

رنگ خطر فروپاشی نظام سیاسی

وی تصریح می‌کند: اگر شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور با همین روند ادامه یافته و امید به زندگی در مردم کاهش یابد باید به مدیران حکومتی هشدار دهیم که دچار فروپاشی نظام سیاسی خواهیم شد. به این معنا که زیربنای نظام سیاسی، نظام اجتماعی است وقتی نظام اجتماعی با این سرعت شاخص‌های خود را از دست داده و شاخص‌های ضروری آن کاهش می‌یابد دچار فروپاشی نظام اجتماعی و به تبع آن نظام سیاسی خواهیم شد.

این جامعه‌شناس با اشاره به اینکه اولین پایه نظام اجتماعی خانواده است، بیان می‌کند: جوانان نمی‌توانند ازدواج کرده و تشکیل خانواده بدهند در حالیکه دولت به شدت بر تشکیل خانواده تاکید می‌کند. دلیل عدم توانایی جوانان در تشکیل خانواده مسائل اقتصادی است. به دنبال این مساله مسئولیت‌پذیری کاهش یافته و اخلاق هم تغییر کرده است و از سوی دیگر نهادهای خانوادگی جدید مانند ازدواج سفید و... رواج یافته است. وقتی نظام اجتماعی از پایه در حال ریزش بوده و به تدریج امید به زندگی که باعث ازدواج و فرزندآوری می‌شود، کاهش یافته است می‌توان گفت که یک شاخص‌های اجتماعی در حال ریزش هستند. حال نظام سیاسی که تنظیم کننده نظام اجتماعی است با فروریزی این نظام دچار فروپاشی خواهد شد.

وی تاکید می‌کند: ما بارها با اعتراضات معیشتی مواجه شده‌ایم درست است که عده‌ای در این اعتراضات دست به موج‌سواری زده و سعی کرده‌اند اعتراضات معیشتی را تبدیل به اعتراضات سیاسی کنند، اما حقیقت آن است که تمامی این اعتراضات تنها بعد معیشتی دارد. به گزارش رویداد ۲۴ اعتراضات معیشتی که نمونه‌های بارز آن را در اعتراضات کارگری و اعتراض به بالارفتن ناگهانی قیمت بنزین مشاهده کردیم فرصتی مناسب است که دولت بار دیگر بر سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود نگاه کرده و نقاط ضعف آن را مورد بررسی و اصلاح قرار دهد. رشد فقر و به اصطلاح اقتصاددانان رشد شاخص فلاکت تنها یک پدیده اقتصادی نیست بلکه مساله‌ای است که می‌تواند به کاهش سرمایه‌های اجتماعی و افزایش معضلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دامن زده و در نهایت ماشین اعتراضات مردمی که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند تمامی نظام‌های مستحکم و ضروری کشور را با چالش جدی مواجه کند.

تورم و رکود ناشی از هزینه‌ها مواجهیم. وی عنوان می‌کند: مشکلات اقتصادی کشور چندان پیچیده نیست و بارها درباره آن‌ها گفته شده است، اما بی‌تفاوت از کنار آن‌ها عبور می‌کنیم. ضروری است به موقع واردات و صادرات و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی انجام شود. نمی‌توان انتظار داشت که مردم با وجود بیکار شدن و کاهش قدرت خرید پول، احساس کنند که وضعیتشان بهتر شده است.

به گزارش رویداد ۲۴ رشد شاخص فلاکت از یک سو نتیجه وجود گره‌های اقتصادی و مدیریت نامناسب اقتصاد کشور بوده و از سوی دیگر خود سرآغاز بروز مشکلات دیگری در جامعه خواهد شد. چه آنکه رشد فلاکت به معنای رشد فقر در جامعه است و از آنجاییکه مسائل اقتصادی و اجتماعی به یکدیگر وابسته هستند وقوع هر رخدادی در یک حوزه، حوزه دیگر را نیز دچار تغییر یا تکانه می‌کند. برای بررسی تبعات رشد شاخص فلاکت در کشور با دکتر اعظم آهنگر جامعه‌شناس مسائل انسانی و دبیر گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به گفتگو نشستیم.

فلاکت یعنی نبود امید به آینده

آهنگر در این باره به رویداد ۲۴ می‌گوید: اگر فلاکت را معادل فقر در نظر بگیریم باید گفت براساس شاخص‌های جهانی افرادی که کمتر از یک دلار در روز درآمد دارند فقیر هستند. اما از نظر من به عنوان یک جامعه‌شناس فرد مفلولک کسی است که امیدی به آینده ندارد و به همین دلیل نمی‌تواند برای زندگی خود هدف گذاری کند. جامعه‌ای که نمی‌تواند برای خود اهداف بلندمدت در نظر بگیرد و جوانانش پویا نبوده و امیدی برای ایجاد تغییرات مثبت در زندگی خود نداشته باشند را می‌توان جامعه‌ای دانست که به فلاکت افتاده است.

وی ادامه می‌دهد: اینکه در اقتصاد نرخ تورم و نرخ بیکاری را جمع کرده و نرخ شاخص فلاکت را به دست می‌آورند هم می‌تواند نشان‌دهنده فلاکت باشد. رسیدن نرخ ارز از ۱۰ هزار تومان به ۲۴ هزار تومان نشان می‌دهد که ارزش سرمایه مردم ۲۵ برابر کاهش یافته است، یعنی فقیرتر شده‌اند و از طرف دیگر همه‌چیز هم به دنبال افزایش نرخ ارز گران‌تر شده است. در این شرایط میزان رفاه زندگی کاهش یافته و همه مردم در هر جایگاهی احساس فقر می‌کنند.

مدیر گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران عنوان می‌کند: وقتی فرد با توجه به کاهش سرمایه خود نمی‌تواند برای آینده برنامه‌ریزی کرده و هدف داشته باشد قطعاً احساس خوبی ندارد. مدتی هدف تحصیلی را به عنوان هدف جوانان در نظر گرفتند تا با تحصیل به درآمد و رفاه نسبی برسند، اما همین جوانان به انتهای هدف تحصیلی خود رسیده و متوجه شده‌اند که این هدف هم اشتباه بوده و به درآمد و رفاه نمی‌رسد.

او اضافه می‌کند: جامعه‌ای که سطح رفاه در آن کاهش می‌یابد، تأمین اجتماعی عمومی وجود ندارد، بیماران نمی‌توانند داروهای خود را با قیمت مناسب تهیه کنند و... جامعه‌ای مفلولک است. به نظر من می‌توان مجموعه این موارد را برای ارزیابی شاخص فلاکت در نظر گرفت.

فلاکت همیشگی در نوار مرزی کشور

آهنگر با اشاره به مناطق محروم و مرزی کشور عنوان می‌کند: در نوار مرزی کشور فقر را می‌توان به چشم دید. این مناطق همواره به دلیل دور بودن از مرکز همواره دچار فقر و فلاکت بوده و تغییر چندانی نیز در وضعیت آن‌ها ایجاد نشده است. به بیان دیگر اگر فلاکت را مانند شاخص رفاه نسبی تعریف کنیم این مناطق همواره در چنین شرایطی قرار داشته و حتی نسبت به مراکز استانی مربوطه شرایط بدتر و وخیم‌تری را تجربه می‌کنند. مثلاً مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان نسبت به مرکز استان یعنی زاهدان